

بررسی رابطه صفات شخصیت و تمایز یافتگی خود با رضایت از زندگی در زوجین متقاضی طلاق شهرستان

ملکان

سکینه نوروز زاده^۱، محمد آزاد عبد اله پور^{۲*}

چکیده

هدف: تحقیق حاضر باهدف بررسی رابطه صفات شخصیت و تمایز یافتگی خود با رضایت از زندگی در زوجین متقاضی طلاق شهرستان ملکان صورت پذیرفت.

روش: پژوهش حاضر پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این تحقیق زوجین مراکز مشاوره راه زندگی شهرستان ملکان (N=۱۲۰) در فاصله زمانی مهرماه تا اسفند ۱۳۹۶ بود که نمونه آماری نیز به صورت سرشماری ۱۲۰ نفر انتخاب گردید. همچنین روش نمونه گیری به صورت هدفمند بود. اطلاعات از طریق مقیاس تمایز یافتگی خود (DSI) اسکورن و فریدلندر (۱۹۹۸)؛ ویژگی های شخصیتی نئو (NEO – FFI) (۱۹۸۶) و پرسشنامه رضایت از زندگی داینر و پات (۱۹۸۵) (SWLS) جمع آوری گردید. برای تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS در سطح معناداری ۰.۰۵ و با استفاده از آزمون کولموگروف اسمیرنف برای بررسی نرمال بودن توزیع داده ها و همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی چندگانه برای آزمون فرضیه ها استفاده شد.

یافته ها: یافته ها نشان داد بین بعد برونگرایی، وظیفه شناسی، گشودگی به تجربه و خوشایندی با رضایت از زندگی در زوجین متقاضی طلاق در سطح معناداری ($p \leq 0.05$) رابطه مثبت و معناداری وجود داشت. اما بین روان رنجورخویی و رضایت از زندگی در زوجین متقاضی طلاق در سطح ($p \leq 0.05$) رابطه معناداری وجود نداشت. همچنین نتایج نشان داد که بین بعد واکنش پذیری، جایگاه من و هماهنگی با دیگران با رضایت از زندگی در زوجین متقاضی طلاق در سطح معناداری ($p \leq 0.05$) رابطه مثبت و معناداری مشاهده گردید اما بین بعد گریز عاطفی و رضایت از زندگی در زوجین در سطح ($p \leq 0.05$) رابطه معناداری یافت نشد.

نتیجه گیری: نتایج این پژوهش بر تجارب افراد در خانواده اصلی و اهمیتی که این تجارب در شکل دهی روابط صمیمی بعدی و رضایت زناشویی دارند، تأکید می کند.

واژه های کلیدی: صفات شخصیت، تمایز یافتگی خود، رضایت از زندگی

پرونده علمی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد گروه روانشناسی عمومی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران.

^۲ استادیار روانشناسی تربیتی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران (نویسنده مسئول). m.a.abdollahpour@gmail.com

مقدمه

ازدواج مبنای شکل‌گیری خانواده است که خود جزء مهم‌ترین اتفاقاتی است که در طی زندگی فرد رخ می‌دهد. ازدواج یعنی پیوند زندگی مشترک دو فرد با حفظ استقلال نسبی هر یک در جهت تکامل شخصیت طرفین. پیوند زناشویی به‌عنوان پیچیده‌ترین نوع روابط انسانی واجد چنان توان بالقوه‌ای در آزادسازی احساسات است که در کمتر روابط بین فردی دیگر می‌توان نظیر آن را یافت (صادق مقدم، عسکری، معروضی، شمس و طهماسبی، ۱۳۸۵).

رضایت از زندگی یک مفهومی ذهنی و منحصر به فرد برای هر انسان است که جزء اساسی بهزیستی ذهنی را تشکیل می‌دهد و عموماً به ارزیابی‌های شناختی از زندگی خود اشاره دارد. این مفهوم شامل یک ارزیابی کلی از زندگی بوده و فرآیندی مبتنی بر قضاوت فردی است. در این روند، مقایسه‌ای بین ملاک‌های فرضی شخصی با زندگی واقعی‌اش صورت گرفته و هر چه واقعیت زندگی با این ملاک‌های فرضی نزدیک به هم باشد، شخص احساس رضایت بیشتری از زندگی می‌کند (دلاهایجی، گیلارد و وان دام، ۲۰۱۰).

ثبات در ازدواج و نیز رضایت از زندگی زناشویی از جمله مواردی است که تأمین‌کننده بهداشت روانی خانواده و در نتیجه بهداشت روانی جامعه است (بنی جمالی، نفیسی و یزدی، ۱۳۸۳). اما سؤال اینجا است که چه عواملی می‌تواند باعث ازدواج سالم شود؟ کدام عوامل زوج‌ها را در یک رابطه باثبات و توأم با رضایت قرار می‌دهد؟

پژوهشگران برای پاسخ به سؤالاتی از این قبیل و تشخیص متغیرهای تأثیرگذار بر ثبات و رضایت از ازدواج مطالعات متعددی را انجام داده‌اند و در این میان، شخصیت و صفات شخصیتی از جمله عوامل مهم که بر کیفیت روابط زوجین تأثیرگذار بوده‌اند، شناخته شده‌اند (چارانیا، ۲۰۰۷، به نقل از صادقی، موسوی، موتابی و دهقانی، ۱۳۹۴).

آگاهی از ویژگی‌های شخصیت عمیقاً با نحوه ادراک و تفسیر فرد از جهان و واکنش او به رویدادهای استرس‌زا مرتبط است، طبیعی است که برخی ویژگی‌های شخصیتی از ویژگی‌های دیگر انعطاف‌پذیرتر است. افرادی که دارای ویژگی‌های شخصیتی انعطاف‌ناپذیر می‌باشند و همچنین کسانی که نمی‌توانند پاسخ‌های خود را با تقاضای یک موقعیت خاص منطبق سازند فاقد مهارت‌های زندگی بوده و بدترین واکنش را به زندگی نشان می‌دهند (کلین یخ، ۲۰۰۷).

عامل دیگری که روابط آینده‌ی فرد را در خانواده مشخص می‌کند، تمایز یافتگی است. تمایز یافتگی به‌عنوان سنگ بنای نظریه‌ی بوئن^۳ در درون خانواده جای دارد و در پی وحدت و باهم بودن و یا برعکس، فردیت است. به نظر بوئن، درجه‌ی ظهور تمایز یافتگی در هر فرد بیانگر میزان توانایی فرد برای جداسازی فرآیند شناختی از فرآیند احساسی (هیجانی) است که فرد تجربه می‌کند. یعنی، درجه‌ی توانایی فرد برای اجتناب از تبعیت خودکار رفتار از احساسات، بیانگر میزان تمایز یافتگی است (بیرامی، فهیمی، اکبری، امیری پیچا کلایی، ۱۳۹۱). بوئن معتقد است در جامعه‌ی انسانی نوعی نیروی زندگی که از ریشه‌ای غریزی برخوردار است، کودک رو به رشد را به شخصی برخوردار از عواطف مجزا تبدیل می‌کند که می‌تواند به تفکر، احساس یا عمل پردازد. در واقع، این نیرو، نیروی است که افراد را به سمت تمایز یافتگی سوق می‌دهد. هم‌زمان نیروی دیگری که آن‌هم ریشه‌ی غریزی دارد، کودک و خانواده را به حفظ پیوندهای هیجانی یا باهم بودن سوق می‌دهد. در نتیجه‌ی این نیروهای تعادلی، هیچ‌کس به جدایی هیجانی کامل از خانواده دست نخواهد یافت لیکن از لحاظ مقدار تمایزی که هر فرد به دست می‌آورد، تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای وجود دارد. همچنین از لحاظ استقلال هیجانی که فرزندان متعلق به یک خانواده به آن می‌رسند نیز اختلاف‌هایی وجود دارد (بیرامی و همکاران، ۱۳۹۱).

¹ . Delahaij, A., Gaillard, C. & Van Dam

² . Klynykh

³ . Bowen

تمایز نیافتگی را در دو سطح می‌توان بررسی کرد. فرآیندی که در درون فرد رخ می‌دهد و فرآیندی که در روابط بین افراد به وقوع می‌پیوندد. در سطح درون فردی، تمایز نیافتگی یا هم آمیختگی، زمانی رخ می‌دهد که اشخاص احساسات خود را از تفکرشان تفکیک نمی‌کنند و به جای آن در احساسات غرق می‌شوند. در سطح بین فردی، شخص تمایز نیافته تمایل دارد یا به‌طور کامل جذب احساسات دیگران شود و با جو هیجانی محیط حرکت کند و یا برعکس، علیه دیگران واکنش نشان دهد (کر و بوون^۱، ۱۹۸۸).

نتایج پژوهش کاظمیان مقدم، مهرابی زاده هنرمند، کیامنش و حسینیان (۱۳۹۵) در پژوهش خود که با عنوان نقش تمایز یافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی در پیش‌بینی رضایت زناشویی انجام گرفت نتایج نشان داد که بین تمایز یافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی با رضایت زناشویی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. در مجموع، نتایج پژوهش نشان داد که متغیرهای تمایز یافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی نقش مهمی در تبیین و پیش‌بینی واریانس رضایت زناشویی دارد.

عسکری، رشیدی، نقشینه و شریفی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و تمایز یافتگی خود با کیفیت زندگی زنان متقاضی طلاق نشان داد که بین الگوی ارتباطی گفت‌و شنود و تمایز یافتگی با کیفیت زندگی رابطه‌ی مستقیم وجود دارد و هر دو متغیر الگوهای ارتباطی خانواده و تمایز یافتگی خود توان پیش‌بینی کیفیت زندگی را دارند. بنابراین باید به اهمیت کیفیت روابط اعضای خانواده، به‌عنوان اساسی‌ترین نهاد اجتماعی و تعیین‌کننده کیفیت زندگی فرزندان، بیش‌ازپیش تأکید شود.

همچنین نتایج پژوهش السادات صادقی، موسوی، موسوی، مو تابی (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان رابطه تشابه ویژگی‌های شخصیتی زوجین و رضایت زناشویی نشان داد که شباهت زوجین در ویژگی برون‌گرایی، پیش‌بینی‌کننده افزایش رضایت زناشویی زنان بود. زوجینی که هر دو در ویژگی نوز گرایمی نمرات بالا داشتند در مقایسه با زوجینی که هر دو در این ویژگی نمرات پایین داشتند، به‌طور معنادار رضایت کمتری از زندگی زناشویی گزارش کردند. زوجینی که هر دو در ویژگی‌های همسازی و وظیفه‌شناسی نیز نمرات بالایی داشتند، در مقایسه با زوجینی که هر دو در این ویژگی‌ها نمرات پایین کسب کرده بودند، به‌طور معنادار رضایت بیشتری از زندگی زناشویی داشتند. زوجینی که هر دو در ویژگی‌های همسازی و وظیفه‌شناسی، نمرات بالا داشتند در مقایسه با زوجینی که هر دو در این ویژگی‌ها نمرات پایین کسب کردند، به‌طور معنادار رضایت بیشتری از زندگی زناشویی گزارش کردند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، تشابه ویژگی‌های شخصیتی به‌تنهایی باعث افزایش رضایت زناشویی نمی‌شود.

پیلایز^۲ (۲۰۰۸) نشان داد که بین تمایز یافتگی بالا و رضایت زناشویی زوجین در مراحل مختلف زندگی رابطه مثبت وجود دارد. در بین مردان رضایت زناشویی با واکنش هیجانی و گسلس عاطفی و «موقعیت من» رابطه دارد، درحالی‌که در بین زنان رضایت زناشویی فقط با گسلس عاطفی رابطه دارد.

پژوهش گلید^۳ (۲۰۰۵) در مورد تأثیر خود متمایزسازی بر تعارضات زناشویی نشان داد که یک رابطه منفی و قوی بین تمایز یافتگی بالا و تعارضات زناشویی در بین زوجین وجود دارد. به‌عبارت‌دیگر هرچه سطح تمایز یافتگی بالا باشد تعارضات زناشویی کمتر می‌شود. متغیرهای شخصیتی نیز از جمله عوامل مهمی است که بر رضایت از زندگی زوجین تأثیر دارد چراکه صفات شخصیتی افراد بر اساس آن شکل می‌گیرد و این صفات می‌تواند لذت‌بخش بودن رابطه یا ناکارآمد بودن آن را پیشگویی کند، لذا با توجه به اهمیت تمایز یافتگی و صفات شخصیتی زوجین در رضایتمندی آنان از زندگی، تحقیق حاضر به بررسی رابطه بین این دو متغیر با رضایت از زندگی زوجین متقاضی طلاق می‌پردازد.

بنابراین، با توجه به مباحث فوق، این تحقیق در پی پاسخ به فرضیه‌های زیر است:

۱ . Kerr, Bowen
۲ . Pelage
۳ . Glade

صفات شخصیت و تمایز یافتگی خود توان پیش‌بینی رضایت از زندگی زوجین متقاضی طلاق را دارند. بین صفات شخصیت و رضایت از زندگی زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد. بین مؤلفه‌های تمایز یافتگی خود و رضایت از زندگی زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

روش انجام پژوهش، بر اساس هدف بنیادی - کاربردی و از نظر کنترل محقق بر متغیرهای تحقیق توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این تحقیق زوجین مراکز مشاوره راه زندگی شهرستان ملکان است که بر اساس اطلاعات دریافت شده، تعداد آن‌ها در فاصله زمانی مهرماه تا اسفند ۱۳۹۶، ۱۲۰ نفر بود. که با توجه به محدود و در دسترس بودن آن‌ها به صورت سرشماری انتخاب شدند و نمونه آماری نیز ۱۲۰ در نظر گرفته شد. همچنین روش نمونه‌گیری نیز به صورت هدفمند انجام گرفت. سپس داده‌های جمع‌آوری شده به استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS و به روش ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی چندگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزارهای پژوهش: ۱. پرسشنامه تمایز یافتگی خود (DSI) - نسخه ۴۶ آیتمی اسکو رون و فریدلندر (۱۹۹۸): پرسشنامه تمایز یافتگی خود (DSI) از ۴۶ گویه و ۴ خرده مقیاس واکنش‌پذیری عاطفی (۱۱ سؤال)، جایگاه من (۱۱ سؤال)، گریز عاطفی (۱۲ سؤال) و هم آمیختگی با دیگران (۱۲ سؤال) تشکیل شده است که به منظور سنجش تمایز یافتگی افراد بکار می‌رود. نمره‌گذاری پرسشنامه به صورت طیف لیکرت ۶ نقطه‌ای (ابتدا در مورد من صحیح نیست = ۱ تا کاملاً در مورد من صحیح است = ۶) است.

جدول ۱. مؤلفه‌های پرسشنامه

ردیف	خرده مقیاس	سؤالات	تعداد سؤال
۱	واکنش‌پذیری عاطفی	۱، ۶، ۱۰، ۱۴، ۱۸، ۲۱، ۲۶، ۳۰، ۳۴، ۳۸ و ۴۰	۱۱
۲	جایگاه من	۴، ۷، ۱۱، ۱۵، ۱۹، ۲۳، ۲۷، ۳۱، ۳۵، ۴۱، ۴۳	۱۱
۳	گریز عاطفی	۲، ۳، ۸، ۱۲، ۱۶، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۲، ۳۶، ۳۹، ۴۲	۱۲
۴	هم آمیختگی با دیگران	۵، ۹، ۱۳، ۱۷، ۲۲، ۲۵، ۲۹، ۳۳، ۳۷، ۴۴، ۴۵، ۴۶	۱۲

نمره‌گذاری پرسشنامه: نمره‌گذاری پرسشنامه به صورت طیف لیکرت ۶ نقطه‌ای (ابتدا در مورد من صحیح نیست = ۱ تا کاملاً در مورد من صحیح است = ۶) است. ابتدا در مورد من صحیح نیست = ۱-۲-۳-۴-۵-۶ کاملاً در مورد من صحیح است. به هر سؤال نمره‌ای بین ۱ تا ۶ تعلق می‌گیرد. به این صورت که به گزینه ۱ نمره ۱ و به گزینه ۶ نمره ۶ داده می‌شود. حداکثر نمره پرسشنامه ۲۷۶ است. سؤال‌ها نمره‌گذاری معکوس دارند در جدول سؤالات مشخص شده است. نمره کمتر در این پرسشنامه نشان‌دهنده سطوح پایین‌تر تمایز یافتگی است.

ضریب آلفای گزارش شده توسط اسکو رون و فریدلندر برای پرسشنامه تمایز یافتگی خود ۰/۸۸ است. همین ضریب آلفا در پژوهش پلج - پوپکو که در سال ۲۰۰۴ انجام گرفت ۰/۸۶ است (به نقل از ثنائی، ۱۳۸۷). به منظور اطمینان از روایی پرسشنامه تمایز یافتگی خود از ۱۰ نفر از صاحب‌نظران در این زمینه نظرخواهی شد که روایی محتوایی این ابزار را مورد تأیید قرار دادند.

۲. پرسشنامه صفات شخصیتی نئو (NEO - FFI): این پرسشنامه شامل ۶۰ ماده است که بر اساس تحلیل عاملی نمرات نئو در سال ۱۹۸۶ اجرا شده بود، به دست آمده است. در این پرسشنامه برای هر عامل، ۱۲ آیتم وجود دارد که این آیتم‌ها با توجه به دارا بودن بیشترین بار

عاملی در ارتباط باصفت موردنظر، انتخاب شده‌اند. ابعاد شخصیت عبارت‌اند از: روان‌نژندی، برون‌گرایی-درون‌گرایی، اشتیاق به تجارب تازه، توافق‌پذیری، وظیفه‌شناسی.

اعتبار و روایی آزمون NEO: در حال حاضر آزمون ۵ عاملی NEO کاربرد جهانی دارد و به‌منظور تحقیق به زبان‌های چکسلواکی، عربی، هلندی، فرانسوی، آلمانی، ژاپنی، نروژی، لهستانی و سوئدی ترجمه شده است. پرسشنامه شخصیتی NEO-FFI توسط مک کری و کاستا روی ۲۰۸ نفر از دانشجویان آمریکایی به فاصله سه ماه اجرا گردید که ضرایب اعتبار آن بین ۰/۸۳ تا ۰/۷۵ به‌دست آمده است. اعتبار درازمدت این پرسشنامه نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است. یک مطالعه طولانی ۶ ساله روی مقیاس‌های روان‌آزردگی خویی، برون‌گرایی و باز بودن نسبت به تجربه، ضریب‌های اعتبار ۰/۶۸ تا ۰/۸۳ را در گزارش‌های شخصی و نیز در گزارش‌های زوج‌ها نشان داده است. ضریب اعتبار دو عامل سازگاری و باوجدانی به فاصله دو سال به ترتیب ۰/۷۹ و ۰/۶۳ بوده است (مک کری و کاستا، ۱۹۸۳ به نقل از گروسی فرشی، ۱۳۸۰).

در هنجاریابی آزمون NEO که توسط گروسی فرشی (۱۳۸۰) روی نمونه‌ای با حجم ۲۰۰۰ نفر از بین دانشجویان دانشگاه‌های تبریز، شیراز و دانشگاه‌های علوم پزشکی این دو شهر صورت گرفت ضریب همبستگی ۵ بعد اصلی رابین ۰/۵۶ تا ۰/۸۷ گزارش کرده است. ضرایب آلفای کرونباخ در هر یک از عوامل اصلی روان‌آزردگی خویی، برون‌گرایی، باز بودن، سازگاری و باوجدانی به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۷۳، ۰/۵۶، ۰/۶۸ و ۰/۸۷ به دست آمد. جهت بررسی اعتبار محتوایی این آزمون از همبستگی بین دو فرم گزارش شخصی (S) و فرم ارزیابی مشاهده‌گر (R)، استفاده شد، که حداکثر همبستگی به میزان ۰/۶۶ در عامل برون‌گرایی و حداقل آن به میزان ۰/۴۵ در عامل سازگاری بود. (گروسی فرشی، ۱۳۸۰).

۳. پرسشنامه رضایت از زندگی داینر و پاوت (SWLS): این مقیاس توسط دینر و دیگران (۱۹۸۵) تهیه و از ۵ گزاره که مؤلفه شناختی بهزیستی فاعلی را اندازه‌گیری می‌کند، تشکیل شده است. آزمودنی‌ها اظهار می‌دارند که برای مثال چقدر از زندگی خود راضی‌اند و یا چقدر زندگی به زندگی آرمانی آن‌ها نزدیک است. دینر و دیگران (۱۹۸۵) مقیاس رضایت از زندگی (SWLS) را برای همه گروه‌های سنی تهیه کردند. این مقیاس متشکل از ۴۸ سؤال بود که میزان رضایت از زندگی و بهزیستی را منعکس می‌کرد و تحلیل عاملی نشان داد که از سه عامل تشکیل شده است. ۱۰ سؤال آن با رضایت از زندگی مرتبط بود که پس از بررسی‌های متعدد در نهایت به ۵ سؤال کاهش یافت و به‌عنوان یک مقیاس مجزا مورد استفاده قرار گرفت.

دینر و همکاران (۱۹۸۵) در نمونه‌ای متشکل از ۱۷۶ دانشجوی دوره کارشناسی، مقیاس رضایت از زندگی را ارزشیابی کردند. میانگین و انحراف استاندارد نمره‌ها به ترتیب ۲۳.۵ و ۶.۴۳ و ضریب همبستگی باز آزمایی نمره‌ها پس از دو ماه اجرا ۰/۸۲ بود.

در ایران بیانی و همکاران (۱۳۸۶) با انجام تحقیقی به بررسی اعتبار و روایی این مقیاس پرداختند. پایایی مقیاس رضایت از زندگی با آلفای کرونباخ ۰/۸۳ و با استفاده از روش باز آزمایی ۰/۶۹ به دست آمد. روایی سازه مقیاس رضایت از زندگی از طریق روایی همگرا با استفاده از فهرست شادکامی آکسفورد و فهرست افسردگی بک برآورد شد. این مقیاس همبستگی مثبت با شادکامی آکسفورد و همبستگی منفی با فهرست افسردگی بک نشان داد. همچنین مظفری (۱۳۸۲) ضریب آلفای کرونباخ را برای این مقیاس ۰/۸۵ و پایایی باز آزمون را ۰/۸۴ به دست آورد.

یافته‌ها

در مطالعه حاضر از مجموع ۱۲۰ پرسشنامه تکمیل شده ۷۸/۳ درصد جامعه مورد پژوهش را زن و ۲۱/۷ درصد را مرد بودند. همچنین وضعیت سن در پاسخگویان بین ۱۹-۶۵ سال است که میانگین سن آن‌ها ۳۷ سال بوده است. جدول ۲ میانگین و انحراف معیار و ماتریس همبستگی، متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی متغیرها

متغیر	تعداد	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف استاندارد
رضایت از زندگی	۱۲۰	۱۱	۷۹	۲۷/۷۷	۶/۳۳۷
تمایز یافتگی خود	۱۲۰	۱۳۸	۲۷۵	۱۷۳/۷۲۵	۲۲/۵۲۷
واکنش پذیری عاطفی	۱۲۰	۲۶	۶۰	۴۱/۸۵۰	۱۰/۱۳۶
جایگاه من	۱۲۰	۲۶	۵۷	۳۶/۲۲۵	۷/۴۶۸
گریز عاطفی	۱۲۰	۳۵	۶۰	۴۶/۶۸۳	۶/۱۶۴
هماهنگی با دیگران	۱۲۰	۳۸	۱۰۶	۴۸/۹۶۶	۸/۹۲۱
روان رنجور خوبی	۱۲۰	۳۰	۵۷	۴۱/۸۰۰	۴/۸۳۴
برون‌گرایی	۱۲۰	۲۹	۵۳	۴۰/۱۷۸	۳/۷۶۵
وظیفه‌شناسی	۱۲۰	۳۰	۵۶	۴۱/۳۳۰	۳/۶۹۵
گشودگی به تجربه	۱۲۰	۲۹	۸۳	۳۸/۱۷۸	۷/۵۷۴
خوشایندی	۱۲۰	۳۶	۶۰	۴۲/۰۷۵	۳/۵۴۳

جدول ۳. نتایج آزمون نرمال بودن مربوط به متغیرهای تحقیق

متغیرها	تعداد داده‌ها	آماره کلموگروف اسمیرنوف	-p مقدار	نتیجه (نرمال/غیر نرمال بودن توزیع)
رضایت از زندگی	۱۲۰	۰/۹۹۹	۰/۲۷۲	نرمال
روان رنجور خوبی	۱۲۰	۱/۴۹۰	۰/۲۲۴	نرمال
برون‌گرایی	۱۲۰	۰/۸۰۴	۰/۵۳۸	نرمال
وظیفه‌شناسی	۱۲۰	۱/۳۰۳	۰/۰۶۷	نرمال
گشودگی به تجربه	۱۲۰	۰/۸۵۲	۰/۴۶۳	نرمال
خوشایندی	۱۲۰	۱/۱۶۸	۰/۱۳۱	نرمال
واکنش‌پذیری عاطفی	۱۲۰	۱/۳۲۹	۰/۰۶۹	نرمال
جایگاه من	۱۲۰	۱/۴۱۴	۰/۱۳۷	نرمال
گریز عاطفی	۱۲۰	۱/۴۴۲	۰/۰۶۱	نرمال
هماهنگی با دیگران	۱۲۰	۱/۴۴۷	۰/۰۶۵	نرمال

جدول (۳) یافته‌های حاصل از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف تک نمونه‌ای را نشان می‌دهد. تمامی متغیرها در سطح معنی‌داری بیش از ۰/۰۵ است. بنابراین داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار هستند.

به منظور پاسخگویی به این سؤال که سهم صفات شخصیت و تمایزیافتگی خود در تبیین رضایت از زندگی زوجین متقاضی طلاق چقدر است؟ از روش تحلیل رگرسیون استفاده شد که نتایج در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. خلاصه مدل رگرسیون، تحلیل واریانس

شاخص	مجموع	درجه	میانگین	F	سطح	R	ضریب	بین	گام
	مجذورات	آزادی	مجذورات		معناداری		تعیین (R2)	وا	تسون
رگر	۱۶۳	۹	۱۷۹۱/۵۷۴						
سیون	۱۶۱۲۴								
باقیمه	۹۴۴	۱۱۰		۰	۰/۰۰۰	۵	۰/۳۵۰	۴۳	
انده	۲۹۹۷۰		۲۹۳/۸۳۳	۶/۹۷		۰/۹۱		۲	
جم	۱۰۷	۱۱۹							
ع	۴۶۰۹۵								

جدول ۴ نتایج تحلیل واریانس را نشان می‌دهد که متغیرهای صفات شخصیت و تمایزیافتگی خود با رضایت از زندگی تفاوت معناداری دارند.

منبع باقیمانده، اطلاعات مربوط به میزان رضایت از زندگی را که خارج از مدل پژوهش ما است را نشان می‌دهد. در جدول مذکور مقدار F در سطح خطای ۰/۰۱ معنادار گزارش شد که نشان می‌دهد صفات شخصیت و تمایزیافتگی، رضایت از زندگی را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین مقدار ضریب همبستگی چندگانه (R) برابر با ۰/۵۹۱ است که نشان از وجود همبستگی مستقیم بین صفات شخصیت و تمایزیافتگی با رضایت از زندگی در زوجین دارد، به نحوی که با بهبود متغیرهای پیش‌بین، رضایت از زندگی بهبود می‌یابد و بالعکس. همچنین R² میزان تبیین واریانس رضایت از زندگی در زوجین را توسط صفات شخصیت و تمایزیافتگی خود را نشان می‌دهد.

جدول ۵. ضرایب رگرسیون استاندارد و غیراستاندارد برای متغیرهای موجود در مدل

متغیر	ضرایب غیراستاندارد		ضریب استاندارد		t	Sig
	B	Std. Error	Beta			
مقدار ثابت	۲۶۷/۵۳۶	۳۱/۱۵۷			۸/۵۸۷	۰/۰۰۰
واکنش‌پذیری عاطفی	۰/۲۰۶	۰/۲۱۹	۰/۱۹۵		۱/۸۵۶	۰/۰۶۶
جایگاه من	۰/۳۷۱	۰/۲۸۰	۰/۳۲۲		۳/۱۱۵	۰/۰۰۲
گریز عاطفی	-۰/۱۱۹	۰/۲۸۶	-۰/۱۲۸		-۱/۴۶۳	۰/۱۴۶
هماهنگی با دیگران	۰/۱۴	۰/۲۹۷	۰/۰۶۳		۰/۴۷۲	۰/۶۳۸
روان رنجور خوبی	-۰/۰۱۸	۰/۴۱۵	-۰/۰۰۴		-۰/۰۴۴	۰/۹۶۵
برون‌گرایی	۰/۱۲۸	۰/۵۸۷	۰/۰۲۴		۰/۲۱۹	۰/۸۲۷

۰/۰۰۸	۲/۷۱۳	۰/۳۳۱	۰/۶۵۵	۱/۷۷۸	وظیفه‌شناسی
۰/۲۰۵	۱/۲۷۵	۰/۱۲۸	۰/۲۶۵	۰/۱۳۸	گشودگی به تجربه
۰/۴۰۲	۰/۸۴۲	۰/۰۹۹	۰/۶۶۷	۰/۱۶۲	خوشایندی

بر اساس جداول فوق، آزمون معناداری ضرایب رگرسیون نشان داد متغیر جایگاه من با ضریب بتای ۰/۳۳۱ و وظیفه‌شناسی با ضریب بتای ۰/۳۳۱ می‌تواند رضایت از زندگی را پیش‌بینی و تبیین کنند. سایر تغییرات توسط متغیرهای دیگری که در این پژوهش لحاظ نگردیده و وارد مدل نشده‌اند تبیین می‌شود. ضمناً آزمون معناداری ضرایب رگرسیون نشان داد که واکنش‌پذیری عاطفی، گریز عاطفی، هماهنگی با دیگران، روان رنجور خوبی، برونگرایی، گشودگی به تجربه و خوشایندی پیش‌بینی کننده معنی‌داری برای متغیر رضایت از زندگی در زوجین نیست.

همچنین برای بررسی فرضیه دوم از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

جدول ۶/ آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرها

متغیر ملاک	ابعاد ویژگی‌های شخصیت	ضریب همبستگی	سطح معناداری
رضایت از زندگی	روان رنجور خوبی	-۰/۰۳۹	۰/۲۳۴
	برون‌گرایی	۰/۲۳۴	۰/۰۰۹
	وظیفه‌شناسی	۰/۳۴۴	۰/۰۰۱
	گشودگی به تجربه	۰/۱۵۶	۰/۰۲۱
	خوشایندی	۰/۲۷۷	۰/۰۰۲

همان‌طور که در جدول (۶) مشاهده می‌شود بین بعد برونگرایی، وظیفه‌شناسی، گشودگی به تجربه و خوشایندی با رضایت از زندگی در زوجین متقاضی طلاق در سطح معناداری ($p < 0.05$) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. اما بین روان رنجور خوبی و رضایت از زندگی در زوجین متقاضی طلاق در سطح ($p < 0.05$) رابطه معناداری وجود ندارد.

در نهایت به منظور بررسی رابطه بین مؤلفه‌های تمایز یافتگی خود و رضایت از زندگی از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

جدول ۷. آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرها

متغیر ملاک	ابعاد تمایز یافتگی	ضریب همبستگی	سطح معناداری
رضایت از زندگی	واکنش‌پذیری عاطفی	۰/۳۵۵	۰/۰۰۱
	جایگاه من	۰/۴۲۳	۰/۰۰۱
	گریز عاطفی	-۰/۱۰۹	۰/۱۲۴
	هماهنگی با دیگران	۰/۳۳۲	۰/۰۰۱

همان‌طور که در جدول (۷) مشاهده می‌شود بین بعد واکنش‌پذیری، جایگاه من و هماهنگی با دیگران با رضایت از زندگی در زوجین متقاضی طلاق در سطح معناداری ($p < 0.05$) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. اما بین بعد گریز عاطفی و رضایت از زندگی در زوجین در سطح ($p < 0.05$) رابطه معناداری وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری

نتایج تحلیل رگرسیون مرتبط با فرضیه اول نشان داد از بین متغیرهای پیش‌بین فقط متغیر جایگاه من با ضریب بتای ۰/۳۲۲ و وظیفه‌شناسی با ضریب بتای ۰/۳۳۱ می‌توانند رضایت از زندگی را پیش‌بینی و تبیین کنند. سایر تغییرات توسط متغیرهای دیگری که در این پژوهش لحاظ نگردیده و وارد مدل نشده‌اند تبیین می‌شود. ضمناً آزمون معناداری ضرایب رگرسیون نشان داد که واکنش‌پذیری عاطفی، گریز عاطفی، هماهنگی با دیگران، روان رنجور خویی، برونگرایی، گشودگی به تجربه و خوشایندی پیش‌بینی کننده معنی‌داری برای متغیر رضایت از زندگی در زوجین نیست. بر این اساس، در رضایتمندی زناشویی باید به این نکته توجه شود که ازدواج چگونه پاسخگوی نیازهایی است که برای شخص جنبه غالب دارد. ممکن است برای فردی پاسخگویی به نیاز جنسی یک نیاز باشد، در صورتی که برای شخصی دیگر نیازهای دیگری مانند عشق مطرح باشد. نظریه چرخه زندگی زناشویی و رضایتمندی از زندگی زناشویی، حاکی از آن است که بین رضایت از ازدواج و دوره‌های زندگی رابطه‌ای منحنی شکل وجود دارد که طبق آن با تولد فرزندان و در دوره‌ای کوتاه از میان‌سال، رضایت از ازدواج کاهش می‌یابد و سپس با راه افتادن فرزندان، رضایت از زندگی به نحو چشمگیری افزایش می‌یابد (برناردز، ۱۳۸۴: ۲۴۳).

ازدواج یکی از مهم‌ترین تصمیم‌گیری‌ها در زندگی هر فرد است و رضایتمندی از ازدواج یکی از اصلی‌ترین عوامل تعیین‌کننده کیفیت زندگی است. از این رو متخصصان روانشناسی خانواده غالباً معیار خود را در بررسی کیفی روابط زوجین، سطح رضایتمندی زناشویی آن‌ها قرار داده‌اند. رضایتمندی زناشویی را می‌توان نتیجه خرسندی عمومی از زندگی مشترک، رضایت از روابط جنسی و رضایتمندی عاطفی و هیجانی دانست (رسول‌زاده، ۱۳۹۱). عوامل متعددی رضایتمندی زناشویی زوجین را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مطالعات انجام‌شده هر یک اثر جنبه خاص از ویژگی‌های فردی و اجتماعی را در کیفیت زندگی مشترک موردپژوهش قرار داده‌اند. در این میان، صفات شخصیتی از جمله عوامل مهمی است که بر کیفیت روابط زوجین تأثیر می‌گذارد (احدی، ۱۳۸۹).

همچنین بسیاری از تحقیقات، تمایزیافتگی را به‌عنوان پیش‌بینی کننده رضایت زناشویی و صمیمیت زناشویی مطرح می‌کنند. زن و مردی که سطح تمایزیافتگی پایینی داشته باشند، زمانی که ازدواج می‌کنند انتظار می‌رود بلوغ عاطفی کمتری را دارا و ظرفیتی محدود برای صمیمیت و یکی شدن داشته باشند. این مسئله نیازمند این می‌شود که هر دو نفر (زن و مرد) برای پایداری ازدواجشان رشد و خود رهبری‌شان را قربانی ازدواج کنند (نجفلویی، ۱۳۸۵). در مقابل در نظام‌های زناشویی تمایزیافته، همسران به یکدیگر اجازه می‌دهند که نقشی نرمش‌پذیر تر و رابطه‌ای صمیمانه‌تر داشته باشند و تفاوت عقاید یکدیگر را تحمل و واکنش عاطفی کمتری را تجربه کنند. به سخن دیگر، برای اینکه مشکلات کمتری داشته باشند در پاسخ به عواطف دیگران آرامش خود را حفظ کنند که این ویژگی‌های افراد تمایزیافته موجب استحکام روابط زوج‌ها و افزایش رضایت زناشویی آن‌ها می‌شود (ساداتی، ۱۳۹۳).

بوئن (۱۹۸۷) خاطرنشان می‌سازد که یک فرد دارای تمایزیافتگی معقول، می‌تواند به‌صورت خالصانه به دیگران اهمیت بدهد، بدون اینکه متقابلاً از آن‌ها چنین انتظاری داشته باشد، همچنین این افراد بیشتر به دیگران اعتماد می‌کنند (اسکورن و دندی^۱، ۲۰۰۴). این افراد از بینش و ارزش‌های روشنی برخوردارند و از ایمنی بیشتری در مقابل تأثیرات منفی استرس برخوردارند در موقعیت‌های مختلف زندگی کارکرد بهتری دارند، لذت‌هایشان بیشتر درونی است و به‌طورکلی از سلامت بیشتری بهره‌مند می‌باشند. نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش نتایج پژوهش کاظمیان مقدم، مهربابی زاده هنرمند، کیامنش و حسینیان (۱۳۹۵) و عسکری، رشیدی، نقشینه و شریفی (۱۳۹۴) هم‌راستاست. کاظمیان مقدم و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود نشان دادند که بین تمایزیافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی با رضایت زناشویی

¹ . Skowron & Dendy

رابطه مثبت معناداری وجود دارد. در مجموع، نتایج پژوهش نشان داد که متغیرهای تمایز یافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی نقش مهمی در تبیین و پیش‌بینی واریانس رضایت زناشویی دارد.

نتایج تحلیل فرضیه دوم نشان داد که بین بعد برون‌گرایی، وظیفه‌شناسی، گشودگی به تجربه و خوشایندی با رضایت از زندگی در زوجین متقاضی طلاق در سطح معناداری ($p < 0.05$) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. اما بین روان رنجور خویی و رضایت از زندگی در زوجین متقاضی طلاق در سطح ($p < 0.05$) رابطه معناداری وجود ندارد. تمایل به مثبت بودن، جرئت طلبی و پرانرژی بودن از ویژگی‌های برون‌گرایی است. توافق جویی موجب می‌شود که افراد در تعامل ای خود با دیگران بتوانند احساس خود را مهار کنند و برخورد آرامی داشته باشند. ویژگی مسئولیت‌پذیری موجب توانمندی افراد در اداره کردن درگیری‌های احتمالی ایجاد شده در رابطه می‌شود. ویژگی گشودگی، تمایل و خواست برای تغییر و داشتن انگیزه برای کسب تجارب جدید را شامل می‌شود.

در افرادی که نمرات بالایی از ویژگی گشودگی کسب می‌کنند انعطاف‌پذیری بالاتری دیده می‌شود به همین ابراز همدردی و اشتیاق کمک کردن به دیگران در این افراد بیشتر است در نتیجه در زندگی مشترک نیز از رضایت زناشویی بالاتری برخوردارند و کیفیت زناشویی در این افراد افزایش می‌یابد. همسرانی که نمره مسئولیت‌پذیری بالاتری را کسب می‌کنند احتمال انتقاد کردن از همسر در آنان کمتر است و در نتیجه میزان تعامل‌های منفی در آنان کاهش می‌یابد. افراد توافق جو، افرادی سازش یافته هستند که از تمایلات قوی‌تری در روابط بین فردی برخوردارند و در نتیجه افرادی کمک‌کننده هستند و در نتیجه با دارا بودن این ویژگی، در روابط زناشویی خود نیز ثبات بیشتری دارند و راضی‌ترند. برون‌گرایی با هیجان‌ات مثبتی همچون خوش‌بینی، عشق و صمیمیت همراه است همچنین اجتماعی بودن و فعال بودن افراد برون‌گرا نیز در تجمع با دیگر صفات بر روابط زناشویی و در نتیجه رضایت از این رابطه تأثیر مثبت دارد (چهره، ازگلی، ابوالعمالی و نصیری، ۱۳۹۶). در تبیین این یافته می‌توان گفت روان‌نژندی شامل حساسیت به داشتن باور غیرواقعی، کنترل ضعیف امیال و تمایل به تجربه پریشانی روان‌شناختی به شکل اضطراب، خشم، افسردگی، خجالت، تنفر و دامنه‌ای از هیجان‌های منفی است. بنابراین، زوج‌های روان‌نژند دارای عواطف منفی هستند و تمایل بیش‌تر به تکانش‌گری و آسیب‌پذیری دارند. چنین رفتارهایی سطح رضایت و سازگاری زوجین را کاهش می‌دهد. نمره‌های بالا در عامل برون‌گرایی با تجربه هیجان‌های مثبت، ارزیابی مثبت از وضعیت سلامت عمومی، کارکردهای جسمی بهتر و رضایت زندگی بالاتر همراه است (شاکریان، ۱۳۹۱).

افراد برون‌گرا شادابی و سرزندگی بیش‌تری از خود نشان می‌دهند، دارای نگرش مثبت نسبت به محیط و زندگی خود هستند و ویژگی‌هایی نظیر مثبت بودن، دلگرمی بخشیدن و شراکت در کارها و تعامل بین زوجین برای بهتر ساختن رابطه و نیز برای خوشایندی طرف مقابل، کارهایی را انجام می‌دهد و یا از انجام آن خودداری می‌کند. این مشخصه‌های اجتماعی می‌تواند باعث رضایت زناشویی بیش‌تری در همسران گردد (گروس^۱، ۲۰۰۲). نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش چهره و همکاران (۱۳۹۶) و السادات و همکاران (۱۳۹۴) هم‌راستاست. نتایج پژوهش چهره، ازگلی، ابوالمعالی و نصیری (۱۳۹۶)، نشان داد که بر اساس یافته‌های اکثریت مطالعات موردبررسی در این مطالعه، روان رنجور خویی به‌طور منفی رضایت زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تعیین ابعاد مختلف شخصیتی افراد بر اساس مدل پنج عامل بزرگ شخصیتی در برنامه‌های مشاوره پیش از ازدواج برای افزایش هر چه بیشتر استحکام ازدواج و خانواده ضروری به نظر می‌رسد.

همچنین نتایج پژوهش السادات صادقی، موسوی، ؛ مو تابی (۱۳۹۴) نشان داد که شباهت زوجین در ویژگی برون‌گرایی، پیش‌بینی کننده افزایش رضایت زناشویی زنان بود. زوجینی که هر دو در ویژگی نوز گرای نمرات بالا داشتند در مقایسه با زوجینی که هر دو در این ویژگی نمرات پایین داشتند، به‌طور معنادار رضایت کمتری از زندگی زناشویی گزارش کردند. زوجینی که هر دو در ویژگی‌های همسازی

^۱. Gross

و وظیفه‌شناسی نیز نمرات بالایی داشتند، در مقایسه با زوجینی که هر دو در این ویژگی‌ها نمرات پایین کسب کرده بودند، به‌طور معنادار رضایت بیشتری از زندگی زناشویی داشتند. زوجینی که هر دو در ویژگی‌های همسازی و وظیفه‌شناسی، نمرات بالا داشتند در مقایسه با زوجینی که هر دو در این ویژگی‌ها نمرات پایین کسب کردند، به‌طور معنادار رضایت بیشتری از زندگی زناشویی گزارش کردند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، تشابه ویژگی‌های شخصیتی به‌تنهایی باعث افزایش رضایت زناشویی نمی‌شود. همچنین نتایج تحلیل فرضیه سوم نشان داد که بین بعد واکنش‌پذیری، جایگاه من و هماهنگی با دیگران با رضایت از زندگی در زوجین متقاضی طلاق در سطح معناداری ($p < 0.05$) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. اما بین بعد گریز عاطفی و رضایت از زندگی در زوجین در سطح ($p < 0.05$) رابطه معناداری وجود ندارد.

افراد تمایز نیافته در برابر رفتار دیگران واکنش عاطفی نشان می‌دهند، بخش عمده انرژی‌شان را صرف تجربه، بیان و تشدید عواطفشان می‌کنند. در مقابل، افراد تمایزیافته ممکن است عواطف شدیدی را تجربه کنند، اما توسط این عواطف تحلیل نمی‌روند و واکنش این دسته از افراد کنترل شده است. زمانی که تجربه‌های درونی یا تعاملات بین فردی بسیار تنش‌زا باشد، افراد تمایز نیافته از دیگران فاصله عاطفی می‌گیرند، درحالی‌که افراد تمایزیافته لزومی احساس نمی‌کنند که از لحاظ عاطفی از دیگران جدا شوند. این‌گونه افراد از هویتی محکم برخوردارند. افراد تمایز نیافته، در روابط صمیمانه با دیگران مستحیل یا آمیخته می‌شوند درحالی‌که افراد تمایزیافته قادرند خود تمایزیافته‌شان را حفظ کنند.

تمایز در توانایی ابراز «موقعیت من» نمود می‌یابد. افراد بدون تمایزیافتگی از نظر عاطفی به دیگران وابسته‌اند، به‌دشواری می‌توانند برای خودشان فکر، احساس و عمل کنند اما افراد تمایزیافته ذاتاً خود رهبر هستند، افکار و احساسات خاص خودشان را دارند و اجباری در وفق دادن خود با انتظارات دیگران ندارند (تاسون و فریدلندر^۱، ۲۰۰۰). بر اساس این نگرش، «تمایز خود» بنیان‌های صمیمیت و پذیرش دوسویه را در ازدواج بررسی می‌کند. زن و مردی که سطح تمایزیافتگی پایینی داشته باشند، زمانی که ازدواج می‌کنند انتظار می‌رود بلوغ عاطفی کمتری را دارا و ظرفیت محدودی برای صمیمیت و یکی شدن داشته باشند. این مسئله نیازمند این می‌شود که هر دو نفر (زن و مرد) برای پایداری ازدواجشان، رشد و خود رهبری‌شان را قربانی ازدواج کنند. در مقابل در نظام‌های زناشویی تمایزیافته، همسران به یکدیگر اجازه می‌دهند که نقشی نرمش‌پذیر تر و رابطه‌ای صمیمانه‌تر داشته باشند و تفاوت عقاید یکدیگر را تحمل و واکنش عاطفی کمتری را تجربه کنند، به سخن دیگر برای این‌که مشکلات کمتری داشته باشند، در پاسخ به عواطف دیگران آرامش خود را حفظ کنند. (بوئن^۲، ۱۹۷۸).

از سویی به گفته وی، تمایزیافتگی همچون یک ویژگی خانوادگی قابل انتقال است و مشکلات و اضطراب‌های خانواده اصلی، از نسلی به نسل دیگر در فرایند انتقال بین نسلی منتقل می‌شود (هرست، ساواتزکی و پاری، ۱۹۹۶). اگر دو فرد تمایز نیافته با یکدیگر ازدواج کنند، خانواده‌های هسته‌ای تشکیل می‌شود که سطح تمایزی پایین دارد. زوج تمایز نیافته در شرایط فشارزا دچار اضطراب و اختلال در کارکرد زناشویی می‌گردد. در تبیین رابطه مثبت تمایزیافتگی با رضایت زناشویی باید اظهار داشت که تمایزیافتگی بالا فرد را قادر می‌سازد تا مرزها را تنظیم کند. درواقع تمایزیافتگی، از آمیختگی زن و شوهر در مواقع بحرانی جلوگیری می‌کند و آن‌ها را قادر می‌سازد تا مشکلات موجود در رابطه را، با عقل و منطق و نه بر اساس واکنش‌پذیری‌های هیجانی و احساسی، رفع کنند. در سمت مقابل، تمایز نیافتگی زوج‌ها از طریق فاصله‌گیری عاطفی از یکدیگر در موقعیت‌های دشوار، آن‌ها را به سمت دل‌زدگی سوق می‌دهد. بر اساس نظریه بوئن تمایزیافتگی اشاره به توانایی ایجاد تعادل بین نیروهای عقلی و فرایندهای عاطفی در سطح درون روانی و ایجاد تعادل بین حفظ فردیت همراه با تجربه صمیمیت در سطح بین فردی می‌کند. بر این اساس می‌توان گفت افراد تمایز نیافته روی هم‌رفته در روابط صمیمانه با دیگران مستحیل

۱. • Tuson & Friedlander

۲. Bowen

می‌شوند؛ درحالی‌که افرادی که به‌خوبی تمایزیافته‌اند قادرند خود تعریف‌نشده‌شان را حفظ کنند. افراد تمایزیافته ذاتاً خود رهبرند، افکار و احساسات خاص خودشان را دارند و اجباری در وفق دادن خود با انتظارات دیگران ندارند (حسینیان و نجفلویی، ۱۳۹۰). نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش اسکو رون (۲۰۰۹) و پیلاژ (۲۰۰۸) هم‌راستا است. اسکو رون^۱ (۲۰۰۹) نشان داد افرادی که تمایزیافتگی آن‌ها بالا باشد، یعنی کسانی که واکنش هیجانی پائین و توانایی حفظ موضع «من» را در روابط دارا می‌باشند و گسلس عاطفی آن‌ها کم است و کمتر با دیگران امتزاج دارند، در طول زمان مشکلات روانی و تعارضات بین فردی کمتری نسبت به افراد با تمایز پایین دارند. پیلاژ^۲ (۲۰۰۸) نشان داد که بین تمایزیافتگی بالا و رضایت زناشویی زوجین در مراحل مختلف زندگی رابطه مثبت وجود دارد. در بین مردان رضایت زناشویی با واکنش هیجانی و گسلس عاطفی و «موقعیت من» رابطه دارد، درحالی‌که در بین زنان رضایت زناشویی فقط با گسلس عاطفی رابطه دارد.

References

- Ahadi B. (2008). The relationship between personality traits and marital satisfaction. *Contemporary Psychology*; 2, 36-31.
- Askari S, Rashidi A, Naqshineh T, Sharifi S. (2015). The relationship between family communication patterns and their differentiation with the quality of life of women seeking divorce, *Psychology Development*, 4(11): 121-87.
- Bani Jamali Sh S, Yazdi S M, Nafisi Gh. (2004). Rooting the causes of family disintegration in relation to the psychosocial characteristics of girls and boys before marriage, *Journal of Educational Sciences and Psychology*: 11, (1-2) (Special Psychology Letter); 143 - 170.
- Birami M, Fahimi S, Akbari I, Amiri Pichaklaei A. (2012). Predicting marital satisfaction based on attachment styles and differentiating components, *Principles of Mental Health*; 14(1): (Sequence 53); 64 - 77.
- Bowen, M. (1978). Family treatment in clinical practice. *New York: Jason Aronson*.
- Chehreh H, Azgli G, Abolmaali Kh, Nasiri M. (2017). A study of the relationship between personality traits and marital satisfaction based on the model of five major personality factors: Systematic review, *Scientific Journal of Kurdistan University of Medical Sciences*; 22: 121-132.
- Delahaj A., Gaillard C, Van Dam P. (2010). Hope and Hardiness as related to life satisfaction. *The Journal of Positive Psychology*. 3(8): 171-179.
- Glade A C. (2005). *Differentiation, marital satisfaction, and depressive symptoms: An application of Bowen theory* (Doctoral dissertation, The Ohio State University).
- Hosseini S, Najaflooi F. (2011). Relationship between psychological and physical symptoms in women referring to counseling centers, *women and family studies*; 3(11); 29-44.
- Hurst N C, Sawatzky D D, Paré D P. (1996). Families with multiple problems through a Bowenian lens. *Child Welfare*; 75(6): 693-708.
- Kazemian Moghadam, K, Mehrabizadeh Honarmand M, Kiamanesh A, Hosseinian S. (2016). The Role of Distinction, the Meaning of Life, and Forgiveness in Predicting Marital Satisfaction, *Two Quarterly Journal of Family Psychology*; 3(2) 71-82.
- Kerr ME, Bowen M (1988). [Family evaluation: An approach based on Bowen theory]. New York: Norton; 34 -89.

¹ . Skowron

² . Pelage

- Klynykh Krsys L. (2007). Life skills. Translated by Mohammad Khani. Tehran: Publishing specialized media .
- Najaflooui F. (2006). The role of self-differentiation in marital relations in the *Quarterly Journal of Modern Educational Thoughts*; 2(3 – 4): 27-37.
- Yousefi, N, Bashlideh, K, Issa nejad O, Etemadi A, Shirbeigi N. (2011). The relationship between love styles and marital quality among married people. *Two Quarterly Journal of Applied Counseling*; 1: 36-21.
- Pelage M. (2008). The relationship between differentiation of self and marital satisfaction: What can be learn from married couple over the course of life? *The American Journal of Family Therapy*; 36: 338-401.
- Sadati S E. (2014). The relationship between causality, neuralism and generosity with marital boredom through marital conflict, *family psychology*, 1(2): 55-68.
- Sadat Sadeghi M, Mousavi J, Mutab, F. (2015). The similarity between marital personality traits and marital satisfaction, *Contemporary Psychology*; (2)10: 67-82.
- Sadeghi M, Mousavi J, Motaei F, Dehghani M. (2015). The relationship between marital personality traits and marital satisfaction. *Contemporary Psychology*. 2(10): 67-82.
- Sadegh Moghadam L, Askari F, Morouzi P, Shams H, Tahmasebi S. (2006). Satisfaction with married life in working and housewives and their wives in Gonabad, Ofogh Danesh; *Journal of Gonabad School of Medical Sciences and Health Services*; 2(12): 45-50.
- Shakrian A. (2012). The role of personality and gender dimensions in predicting marital adjustment, *Kermanshah University of Medical Sciences Journal*; 16(1): 16-22.
- Skowron E A, Dandy A K. (2004). Differentiation of self and attachment in adulthood: Relational correlates of effortful control. *Contemporary Family Therapy: An International Journal*; 26: 337-357.
- Tuson M T, Friedlander M L. (2000). Do parents differentiation leves predict those of their adult children? And other tests of Bowen theory in Philippine sample. *Journal of counseling*.

The relationship between personality traits and self-differentiation with life satisfaction in couples applying for divorce in Malekan city.

Sakineh Norouzadeh¹, Mohammad Azad Abdollahpour²

Abstract

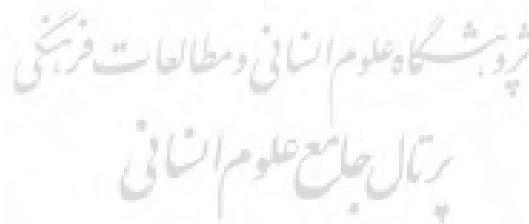
Purpose: The aim of this study was to investigate the relationship between personality traits and self-differentiation with life satisfaction in couples seeking divorce in Malekan city.

Methodology: The present study was a descriptive and correlational study. Information through its Differential Scale (DSI) Scorn and Friedlander (1998); the personality traits of Neo (FEO) (1986) and the Dynamic Life Satisfaction Questionnaire (SWLS) (1985) were collected. The statistical population of this study was a pair of life counseling centers in Malekan city (N = 120), and the statistical sample was selected as a census of 120 people. The sampling method was also targeted. To analyze and analyze the data, the Kolmogorov-Smirnov test was used to test the normality of the data distribution and Pearson correlation and multiple linear regression to test the hypotheses.

Results: The present study was a descriptive and correlational study. The statistical population of this study was a pair of life counseling centers in Malekan city (N = 120) between October and March 2017, and the statistical sample was selected as a census of 120 people. The sampling method was also targeted. Information through its Differential Scale (DSI) Scorn and Friedlander (1998); the personality traits of Neo (FEO) (1986) and the Dynamic Life Satisfaction Questionnaire (SWLS) (1985) were collected. To analyze and analyze the data, using SPSS software at a significance level of 0.05 and using the Kolmogorov-Smirnov test to test the normality of data distribution and Pearson correlation and multiple linear regressions were used to test the hypotheses.

Conclusion: The results of this study emphasize the experiences of individuals in the main family and the importance of these experiences in the formation of later intimate relationships and marital satisfaction.

Keywords: personality traits, self-differentiation, life satisfaction



¹ M.Sc. Student of General Psychology, Mahabad Branch, Islamic Azad University, Mahabad, Iran

² Assistant Professor of Educational Psychology, Mahabad Branch, Islamic Azad University, Mahabad, Iran
(Responsible Author) m.a.abdollahpour@gmail.com